

جایگاه تقیه در فضای مجازی^۱

علیرضا مرادی*

علی اکبر ایزدی فرد**

مهدی محمدیان امیری***

علمی - پژوهشی

چکیده

در عصر حاضر فضای مجازی یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب آگاهی و اطلاعات انسان به شمار می‌رود. دنیای مجازی به نوعی دنیای موازی با جهان واقعی است و هر آنچه در دنیای واقعی هست به خوبی در جهان مجازی نیز قابل انعکاس است. همان‌طوری که در فضای واقعی، انسان دچار مشکلات معرفتی-دینی می‌شود، در دنیای مجازی نیز همین آسیب حکمفرماست. از آنجایی که عمده ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی-مستقیم یا غیر مستقیم- در اختیار جبهه استکبار است و به عنوان مبدع این فضا، به گونه‌ای عمل نموده‌اند که اولاً خودشان حداکثر استفاده از این فضا را بنمایند و ثانیاً به نحو چشمگیری بر فعالیت دیگران در این فضا نظارت نمایند تا جایی که هر گروه و دسته‌ای که خارج از این جبهه باشد، هم برای فعالیت خود، نیاز و وابستگی فناورانه‌ای به آن‌ها داشته باشد و هم این که اگر در محدود مواردی بتواند با تکیه بر دانش خود از زیر سلطه آنها بیرون بیاید، فعالیتشان در معرض خطر قرار گیرد، لذا باید به گونه‌ای رفتار نمود که تبلیغ در این فضا، اولاً بتواند از دید دشمن مخفی مانده (به عبارتی بصورت تقیه باشد) که حساسیت او را برانگیخته ننماید و ثانیاً بتواند علی‌رغم برتری سخت افزاری دشمن، جریان‌های مختلف فکری که با الهام از فرهنگ اصیل اسلامی و فقه جواهری است، بر این فضا غلبه و گفتمان جدیدی به وجود آورد که به لایه‌های هویت ملی ما به بهترین وجه ممکن پایداری ببخشد. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به این مبحث پرداخته شده‌است.

کلید واژه‌ها: فضای مجازی، تقیه، تبلیغ دین، عوامل مؤثر

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۰/۰۴/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۳/۱۶)

* دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. moradi.alireza1345@gmail.com

** استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول). Ezadifard@umz.ac.ir

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. Mrmyaali@gmail.com

۱- مقدمه

اسلام یک دین جهانی، همگانی، کامل‌ترین و آخرین ادیان است. به همین دلیل همه مردم از همه اقوام و ملت‌ها ضروری است که با آن آشنا شوند. تنها راه آشنایی دیگر ملت‌ها از این آئین انسان‌ساز تبلیغ کردن حقایق، دستورات، احکام و آداب اسلام است.

در گذشته معارف دینی از طریق ارتباط مستقیم و چهره به چهره مبلغین با مخاطبان انجام می‌شد. اما با ابداع صنعت، تبلیغ دین وارد شیوه نوشتاری شد. با پیشرفت روز به روز فناوری‌ها و با ظهور رسانه‌های یکسویه جدید مانند رادیو و تلویزیون، افراد موثر دینی به دلیل اینکه تولیدکنندگان محتوا و مدیران این رسانه‌ها را انواع غیرمسلمان تشکیل می‌دادند، ابتدا از حضور در این عرصه امتناع می‌کردند، اما با پیشرفت جوامع اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران و با تأیید مراجع و علمای دین، این رسانه‌ها به جمع ابزار مورد استفاده برای تبلیغ دین اسلام اضافه شد.

اما با فرارسیدن عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش فراگیر آن که به دنبال خود مفاهیم جدیدی چون واقعیت مجازی و فضای سایبری را به همراه آورد، تغییر و تحولات زیادی در ابعاد مختلف زندگی بشر ایجاد شد و ما را با جهان جدیدی مواجه ساخت، جهانی که در آن متفاوت می‌نویسیم، می‌خوانیم، ارتباط برقرار می‌کنیم و به طور کلی، جهانی که در آن متفاوت زندگی می‌کنیم.

ورود به این نوع جامعه‌ی جدید، همچون مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، تمامی جنبه‌های حیات بشری را تحت تأثیر قرارداد و تحولاتی عمیق را در ساختار جوامع و روابط میان افراد به وجود آورده است، به گونه‌ای که عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با انبوهی از فرصت‌ها و چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است، یکی از این مسائل تبلیغ دین در فضای مجازی بصورت تقیه است؛ چرا که ذات متنوع این فضا و حضور چشمگیر و کار فراگیر و پر دامنه نظام سلطه در آن، در جهت اشاعه فرهنگ غربی و تسلط بر ملت‌ها با استفاده از سست کردن بنیان‌های اعتقادی جوانان، این مهم را در رأس دغدغه‌های فرهنگی و دینی مسئولین و دلسوزان فرهنگی قرار داده است تا جایی که مسئله حضور و تبلیغ در فضای مجازی به قدری اهمیت پیدا نموده که مقام معظم رهبری به دفعات مختلف و در فرصت‌های گوناگون، این بحث

را بیان کرده و همه افراد به خصوص طلاب را در این جهت، به کار فرهنگی و حضور در این فضا الزام نمودند. نویسنده در این مقاله بعد از مفهوم تقیه و ادله آن در آیات و روایات، به مسأله تقیه در فضای مجازی بعنوان تبلیغ دین، را مورد بررسی قرار داده است.

۲- مفهوم تقیه

۲-۱- تقیه در لغت

الخلیل در کتاب العین، مفهوم تقیه را «تحفظ و جلوگیری» می‌داند وی در این باره مینویسد: «وَكَلَّ مَا وَقَى شَيْئًا فَهُوَ وَقَاءٌ لَهُ وَوَقَايَةٌ... وَالتَّقْوَى فِي الْأَصْلِ وَقْوَى فَلَمَّا فَتَحَتْ اِبْدَلَتْ تَاءَ فَتَرَكَتْ فِي تَصْرِيفِ الْفَعْلِ فِي التَّقَى وَالتَّقْوَى وَالتَّقَاةَ وَالتَّقِيَّةَ» (فراهیدی، بی تا، ۲۳۸). صاحب «قاموس قرآن» به نقل از راغب، آورده است که: فعل «وقی» به معنای حفظ است: «وَقَى وَقَايَةً وَ وَقَاءً، حَفْظَ شَيْءٍ اسْتِزَادَ مِنْهُ اِذْ بَدَأَ وَ ضَرَرَ مِمَّا رَسَّانَدَ» (قرشی، ۱۳۸۰، ۲۳۶). از مجموع آنچه از اهل لغت آوردیم، روشن می‌شود که آنان در مفهوم تقیه اختلاف نظریه ندارند و در معنای تحفظ و مصونیت و مرادف آن برای تقیه هم عقیده اند.

۲-۲- تقیه در اصطلاح

تقیه اسم مصدر "تقی یتقی" است که در معنی با "اتقی یتقی" مساوی می‌باشد و معنای واژه اخیر الذکر به معنای برحذر داشتن، ترساندن و دور کردن آمده است و لذا شخص پارسا را متقی یا تقی می‌نامند (جعفری هرندی، ۱۳۹۳، ۱۲). شیخ انصاری در تعریف تقیه می‌نویسد: «مقصود از تقیه در اینجا، جلوگیری از ضرر بر دیگری است به وسیله هماهنگی با مخالف حق، با گفتار و یا در رفتار» (شیخ انصاری، بی تا، ص ۷۱).

۳- فضای مجازی و تقیه در آن

مفهوم فضای مجازی در اصطلاح که در واقع حاصل تکنولوژی غرب است، واژه‌ای است که در خلال دهه‌ی ۱۹۹۰ از طریق اینترنت کاربرد عمومی یافت. فضای مجازی یکی از واژه‌هایی است

که نخستین بار ویلیام گیسون نویسنده‌ی پیش رویِ داستان‌های علمی تخیلی در سال ۱۹۸۴ بکار برد. از نظر او فضای مجازی فضایی تخیلی است که از اتصال رایانه‌ها پدید آمده‌است، که تمامی انسان‌ها و منابع اطلاعاتی را به هم متصل کرده است (بریگز و برک، ۱۳۹۱، ۱۲۰). به طور کلی برای وارد شدن به اینترنت یا فضای شبکه‌های بین‌المللی ابزاری لازم است، از جمله کامپیوتر، مودم، وصل‌بودن به شبکه‌های بین‌المللی اینترنت، شبیه‌سازی و مجازی‌سازی. از مصادیق شبیه‌سازی می‌توان به کسب شخصیت یا موفقیت موهوم و خیالی یا مشابه یک شخصیت مهم توسط کاربر اشاره کرد. برای آنکه شخص کاربر وارد فضای سایبر از طریق شبکه اینترنت شود باید پس از فراهم آوردن تجهیزات اولیه (کامپیوتر، مودم، خطوط مخابراتی) به شبکه وصل شده و پس از آن آدرس و سایت مورد نظر خود را انتخاب کرده و با توجه به نوع، موضوع و هدف خود به بررسی یا اقداماتی در آن بپردازد. با توجه به این توضیحات می‌توان گفت که فضای سایبر (محیطی مجازی و غیر ملموس است که در فضای شبکه‌های بین‌المللی که از طریق اینترنت به هم وصل می‌شوند) وجود دارد. در این محیط، تمام اطلاعات مربوط به روابط افراد، ملت، فرهنگ‌ها، کشورها، به صورت ملموس و فیزیکی (به صورت نوشته، تصویر، صوت و اسناد) در یک فضای مجازی و به شکل دیجیتالی وجود داشته مقابل استفاده و دسترس استفاده‌کنندگان و کاربران می‌باشد، کاربرانی که از طریق کامپیوتر و شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط می‌باشند (باستانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

در مجازی بیشتر افعال انسانی قابل پیاده‌سازی و اجراء می‌باشد؛ اظهار نظر و ارائه مطالب و نگارش متون و ابراز عقیده از جمله افعالی است که کاربر می‌تواند در فضای مجازی آن را ارائه دهد. در مقام ابراز نظر، ممکن است شخص نیاز به تقیه داشته‌باشد. ادله مشروعیت تقیه در ادامه مطالب خواهد آمد، همین ادله نیز در خصوص تقیه در فضای مجازی نیز قابل استناد است. لذا ممکن است کاربر در مقام دفاع از حق، حفظ جان خود یا سایر مؤمنین و مسلمین و یا حتی سایر انسان‌ها اقدام به آن نماید. برای مثال به عنوان کاربر وارد سایت‌ها معاند شده و پس از آن که اعتماد آن‌ها را به دست آورد با محاجه و دلایل قابل استناد و اعتماد و با الفاظی که پاسخگوی ادعاها و هجمه‌های مخالفین دین و مذهب و آبرو و عرض جامعه اسلامی است، از عقائد حقه

دفاع نماید. این دفاع، می‌تواند در قالب تقیه خود را نشان دهد.

۴- ادله شرعی تقیه در فضای مجازی

دلایل شرعی شامل کتاب (آیات قرآنی) و سنت (احادیث) می‌باشد.

۱-۴- کتاب

۱- «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل، ۱۰۶) شأن نزول این آیه شریفه همان طوری که ابن عباس گفته‌است در مورد عمار یاسر است که در اثر شکنجه اظهار کلمه کفر می‌کند و خدمت رسول الله می‌رسد و با چشمان اشک‌آلود، جریان را بازگو می‌سازد که چگونه وادار شده لفظاً به ساحت حضرت بی‌ادبی نماید. رسول‌الله او را دلداری داده و دستور می‌دهد که اگر بار دیگر مجبور به چنین کاری شد، انجام دهد و آیه مبارکه نازل گردید. روشن است که مورد مخصص نبوده و آیه به عنوان یک اصل راهبردی در شرایط و حالات مختلف کاربرد دارد.

۲- «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران، ۲۸) آیه می‌فرماید: مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز (او را از دوستی) خدا (بهره‌ای) نیست مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند شما را از (عقوبت) خود می‌ترساند و بازگشت (همه) به سوی خداست. از این آیه شریفه این نکته فهمیده می‌شود: در شرایطی که مسلمانان ناگزیر از ارتباط و تعامل با کفار می‌شوند که اگر چنان نمایند هستیشان در خطر نابودی می‌افتد، در این صورت برای حفظ موجودیت خویش و دفاع از حقیقت و دور ساختن آسیب‌های کفار بر مسلمان‌ها، از باب تقیه جایز می‌باشد.

۳- «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر، ۲۸) آیه می‌فرماید: و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان

خود را نهان می‌داشت گفت آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من خداست و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ چرا که خدا کسی را که افراط کار دروغ زن باشد هدایت نمی‌کند. از این آیه این نکته فهمیده می‌شود که؛ مخفی داشتن ایمان و اظهار مخالف آن بگونه‌ای که واقعاً و باطناً بدان باور دارد، امری جایز و پسندیده است؛ زیرا عمل مؤمن آل فرعون را که در ظاهر با فرعونیان همراه بود و در باطن مخالف آنها، به صورت اقدامی مطلوب و مرضی خداوند بیان می‌دارد؛ چرا که اگر غیر از آن بود، زبان سرزنش و منع در آیه به کار می‌رفت.

با توجه به آیات فوق؛ آنچه برای انسان مسلمان به عنوان یک اصل باید مطرح شود، تبلیغ حقایق دینی و اظهار آن است، اما در شرایطی که نتوان بطور صریح آن را بیان کرد، می‌تواند به نحو تقیه باشد. اطلاق و عموم آیات در مشروعیت تقیه هم شامل فضای مجازی است و هم غیرمجازی؛ زیرا احکام شرعی به نحو قضایای حقیقیه است نه قضایای خارجی و مصادیق آن منحصر به زمان صدور حکم و در عصر ائمه اطهار (علیهم السلام) نمی‌شود، بلکه شامل تمام مصادیقی است که در طول زمان‌ها و مکان‌ها بر آن یافت می‌شود که از جمله‌ها آن تقیه در فضای مجازی است.

ممکن است گفته شود ائمه (علیهم السلام) مکلف به بیان مسائلی که در زمان ما به وجود آمده، نمی‌باشند؛ زیرا آن‌ها با توجه به روایاتی که در ذیل آیه «و لکل قم هاد» (رعد، ۷) آمده، فقط وظیفه هدایت‌گری مردم زمان خود را دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۱). البته روایاتی نیز وجود دارد که پیامبر و ائمه را عامل هدایت در تمام قرون و اعصار می‌داند و هدف از ورودشان همین امر است. در روایت آمده است: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ رَفَعَهُ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَ حَيَّ اللَّهُ وَ نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۲).

در این روایت که به صورت مطلق بیان شد، امام علیه السلام ولایت ائمه (علیهم السلام) را منحصر به زمان مخصوص ننمودند، بلکه خودشان را به عنوان دلیل الهی در زمین معرفی

فرمودند. این نقش و کاربرد می‌تواند در هر زمان اتفاق افتد. در زمان حیات ائمه (علیهم السلام) حضور ایشان و خطابات ایشان و بعد از شهادتشان اقوال و اعمال و تقاریر ایشان هدایتگر امت اسلامی خواهد بود. لذا آنچه حضرات در زمان حیاتشان فرمودند برای آیندگان نیز قابل اجراست. به عبارت دیگر، تمسک به روایات ذکر شده، می‌رساند، ائمه (علیهم السلام) در مقام بیان خصوصیات واقع به همان صورتی که در زمان حیاتشان اتفاق افتاد هستند؛ یعنی پرسشگری نزد ایشان آمده و موضوعی را می‌پرسد، امام (علیه السلام) در مقام پاسخ، دو کار می‌فرماید، اول پاسخ آن شخص را داده و سپس بیان خود را طوری می‌فرماید که قابل تعمیم به جهات مختلف و افراد و زمان‌های مختلف باشد. یعنی در روایات ملاحظه می‌کنیم امام (علیه السلام) آنچه به عنوان حکم شرعی است بیان می‌دارد و تکلیف مکلف را در اختیار او قرار می‌دهد. آنگاه حکم کلی برای اجراء در موارد مشابه نیز مطرح می‌گردد. برای نمونه روایتی را مثال می‌زنیم عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثَّوْبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرِقَةٌ أَوْ الْمَمْلُوكِ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ حُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدَعَ فَبِيعَ أَوْ قَهَرَ أَوْ امْرَأَةً تَخْتَكُ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرَ ذَلِكَ أَوْ تَقَوْمَ بِهِ الْبَيْتَةَ. در این روایت ملاحظه می‌شود امام علیه السلام علاوه بر بیان حکم مسئله، برای پرسش‌های بعد در هر زمان و مکان و یا هر شیئی پاسخ دادند. در هر حال وظیفه امام هدایت جامعه و پیروان خود است. لذا به انتشار آگاهی و بیان احکام می‌پردازد (کوهکمری، ۱۴۲۹، ۴۶۳).

۲-۴- سنت (احادیث)

۱-۲-۴- حدیث **لاضرر ولاضرار: لا ضرر ولا ضرار** فی الاسلام (حرعاملی، ۱۴: ۲۶) اصل این حدیث به قضیه «سمره بن جندب» برمی‌گردد که نزاعی با مردی از انصار داشت. آیه‌الله موسوی بجنوردی در مورد مدرک این قاعده می‌نویسد: «مدرک این قاعده عبارت است از روایات کثیره‌ای در کتب فریقین که مشتمل بر این جمله است از رسول خدا و این جمله به عنوان یک کبرای کلی منطبق با موارد عدیده‌ای است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۱۱). اساسی‌ترین موضوع در این قاعده، مدلول و مفهوم لا ضرر است. در این زمینه دیدگاه‌های همه یکسان نیست. مهمترین

نظراتی که در زمان ما از آنها سخن بسیار به میان آمده‌است، به شرح ذیل می‌باشد :

الف- حمل نفی بر نهی؛ مقصود از لا ضرر و لا ضرار، حرام‌بودن ضرر زدن به دیگران است. معنای قاعده در این صورت این است که ضرر زدن و اضرار به دیگران از نظر شرع حرام است و دلالتی بر لزوم جبران ضرر و یا اولویت‌داشتن بر دیگر احکام شرعی نخواهدداشت (شهید اول، ۱۳۶۰، ص ۶۸) نفی ضرر غیر متدارک؛ ضرری که جبران نشده باشد، در اسلام وجود ندارد که این اضعف اقوال است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۴)

ب- نفی حکم ضرری؛ بر اساس این نظریه از سوی شارع، هیچ حکم ضرری‌ای وضع نشده است. به دیگر سخن، هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادرشده، اگر زیان‌آور باشد، ضرر بر نفس مکلف یا غیر او، ضرر مالی یا غیر مالی، حکم یاد شده به استناد قاعده لا ضرر برداشته شده است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱)

ج- نهی حکومتی و سلطانی؛ امام خمینی(ره) این قاعده را از احکام فرعی نمی‌داند، بلکه آن را از احکام حکومتی می‌داند و از احکام سلطانیه شمرده‌است که سلطان و حکومت برای پیشبرد احکام حکومتی باید از آن استفاده کند (رشیدپور، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

براساس این حدیث هرگونه درخواست و حکمی که بر جان و مال و شرف و کرامت و حقوق و حیثیت انسان آسیب و ضرر وارد سازد، از نظر اسلام غیر مشروع می باشد. بنابراین هر نوع اقدامی که یکی، یا همه امور یاد شده را، برای فرد و جامعه انسانی و اسلامی فراهم سازد، تقیه در آن، واجب و لازم خواهد بود. بدون تردید تقیه در مواردی از مصادیق مذکور، اقدام راهبردی به شمار می رود، در نتیجه مشروع می باشد .

۲-۲-۴- حدیث رفع: شیخ انصاری در کتاب صلاة، درباره این روایت از تعبیر مقبوله مشهوره استفاده می‌کند(انصاری، ۲، ۲۲۴)؛ و البته اشخاصی مانند فاضل تونی در وافیه (بشرویی خراسانی فاضل تونی، بی تا، ۱۸۰) و شیخ محمد حسین اصفهانی در فصول (اصفهانی، ۵۱، ۳۵۳) و شیخ انصاری در فرائد (انصاری، بی تا، ۳۲۰) و محقق حائری یزدی در درر الفوائد(حائری یزدی، ۱۴۰۸ق، ۱۰۱) و آقا ضیاء عراقی در نهاییه الافکار (بروجردی، ۱۴۰۵، ۲۰۸) و امام خمینی در تهذیب

الاصول (سبحانی، ۱۳۸۲، ۲۱۳) این روایت را صحیح می‌دانند. شاهد بحث ما از این حدیث، تنها دو فراز آن از اکراه و اضطرار می‌باشد.

الف- اکراه: قال رسول الله (ص) رفع عن امتی تسعة: و ما اکرهوا علیه.... (همان) یعنی اگر انسانی در مواقعی از روی اکراه لفظی به زبان آورد و یا اقدامی نماید که در واقع خلاف آن را باور دارد، آثار و احکام آن عمل از او برداشته می‌شود. مثلاً انکار خداوند و دشنام دادن به انبیا حرام است و هرگاه از روی اکراه انجام شود، آثار حکم حرمت از او برداشته شده است و این یعنی تقیه نمودن و رخصت دادن در آن.

ب- اضطرار: بر اساس این فراز از حدیث، هرگاه انسان در اضطرار مجبور شود فعل حرامی را انجام دهد و یا عمل واجبی را ترک کند، آثار و لوازم آن، مثل مؤاخذه و عقاب و یا در مواردی خروج از دین و تکفیر، از او برداشته می‌شود، یعنی اگر شخص در حال اضطرار مجبور به تقیه شود و خدای نبوت، نماز، روزه، امامت ائمه (ع) را انکار نماید، اما در واقع به آن‌ها باور و ایمان داشته باشد، این شخص مرتد نشده و از مذهب شیعه نیز خارج نگردیده است. ماهیت این فرآیند و عمل، همان جواز و رخصت در تقیه است، چه در فضای مجازی و چه در فضای غیر مجازی البته نظر به موارد وجوب و عدم وجوب، تقیه متفاوت می‌شود.

۳-۲-۴- مصلحت (اهم و مهم): امام خمینی (ره) درباره شمول و گستره این قاعده، معتقد است گاه مسائل عالی حکومت؛ مثل حفظ نظام اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ کیان کشور اسلامی، حفظ جان مؤمنان و وحدت مسلمانان، اقتضای آن را دارد که حاکم به تناسب زمان و مکان، پا را فراتر نهاده، حکمی دیگر صادر کند که این، همان احکام حکومتی است که گاه بر احکام اولیه و ثانویه مقدم است (امام خمینی، ۱۴۱۴، ۳۴) بر اساس اختیارات، ولی فقیه و حاکم اسلامی می‌تواند تشخیص بعضی از امور و مصالح را به افراد متخصص و خبره واگذار کند. در مواردی که تقیه اهم باشد، وعدم تقیه مهم، قهراً تقیه مقدم می‌شود و اگر عدم تقیه اهم بود، مثلاً حاکم اسلامی برای دفاع از حقیقت دین، تقیه نکند و تقیه کردن برابر با از بین رفتن مقدسات دین باشد، عدم تقیه مقدم است.

بدون تردید اطلاق و عموم احادیث فوق دلالت بر جواز تقیه در فضای مجازی نیز دارد و این‌که در روایات انصراف به نوع سنتی و فیزیکی آن پیدا کرده، مانع از تمسک به اطلاق نمی‌شود. در واقع انصراف مزبور، بدوی بوده و ناشی از غلبه وجودی (یعنی کثرت افراد مقید) است و اعتباری ندارد (آخوندخراسانی، ۱۴۰۹، ۷۲؛ پروانی، ۱۳۷۰، ۱۰۰). وانگهی کثرت استعمال تقیه در فضای غیرمجازی در جامعه امروزی که جامعه‌ای مبتنی بر تکنولوژی و فنآوری بوده، و در عصر کنونی، که عصر مجازی و اینترنتی است، به صورت قطعی و یا حتی ظنی معلوم نیست و در نتیجه مانع از تمسک به اطلاق نمی‌گردد.

آنچه از اطلاق و عموم احادیث مذکور و نیز قاعده اهم و مهم می‌توان استنباط کرد، شمول آن نسبت به تقیه در فضای مجازی نیز متحقق است؛ زیرا همه‌ی آن ملاک‌ها مانند لاضرر، اکراه، اضطرار و مصلحت می‌تواند در اینجا نیز وجود داشته باشد. به عنوان مثال اهانت کردن به مقدسات همان‌گونه که در فضای حقیقی حرام و جرم است، در فضای مجازی نیز حرام و جرم است؛ لکن اگر همین عمل، به صورت اکراه یا اضطرار، به صورت تقیه انجام شود، آثار حکم حرمت از شخص برداشته می‌شود. به عبارت دیگر نهی و حرمت حاصل از آن از فعلیت ساقط می‌گردد. وقتی تراحم یک امر بر امر دیگر به وجود آید، لازم است یکی از فعلیت ساقط گردد تا دیگری بتواند به انجام برسد. لازمه‌ی این کار ممکن است شرع باشد و در مواردی عقل می‌تواند این مهم را به اجراء درآورد.

۴-۲-۴- تنقیح مناط و تناسب حکم و موضوع: دلیل دیگر بر جواز تقیه در فضای مجازی، تنقیح مناط و وحدت ملاک است؛ زیرا مشروعیت تقیه در فضای غیرمجازی بخاطر حفظ دین و تبلیغ آن، حفظ حیات و کرامت انسانی است و همه این‌ها در نوع مجازی آن نیز وجود دارد (حکیم، بی تا، ۳۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۵۱۹). تنقیح مناط در صورتی که قطعی باشد، از باب طریقت ذاتی قطع حجت است (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ۸۵؛ انصاری، ۱۴۰۴، ۲۶۵).

بر اساس آنچه آمد مشروعیت تقیه حفاظت از حق حیات و کرامت انسانی دفع ضرر، زنده نگه داشتن حق، حفظ دین و تبلیغ آن است و همین ملاک بعینه و بطور قطع در تقیه، در فضای

مجازی نیز تحقق دارد. برای مثال جهت حفظ سامانه و فضای تبلیغی و پژوهشی، نویسندگان و مدیران سایت‌ها لازم است در برابر تهدیدهای بیگانه و مخالفان اقدام به تقیه نمایند و از پست‌ها و بنرهایی استفاده کنند که موجبات سلامت و حفظ موقعیت فراهم آید. به‌عنوان نمونه از ارسال تصویر یا فیلم یا بنر غیر شرعی و قانونی نهی شده و حکم تکلیفی حرام و وضعی عدم مشروعیت را به همراه دارد، اما موضوع حفظ جان و مال و عرض و آبروی یک مسلمان می‌طلبد این تصاویر یا بنرها یا کلیپ‌ها پخش و ارسال گردد؛ در این‌جا مجری میان دو امر مردد می‌ماند، حکم حرمت او را از ارسال باز می‌دارد، حفظ جان او را وادار به ارسال می‌کند، لذا او در موقعیت تراحم بین الامرین قرار می‌گیرد. لذا یکی از دو حکم از فعلیت ساقط می‌گردد. لذا با توجه به حفظ جان و نظام شهروندان مسلمان حرمت از فعلیت افتاده و ارسال دارای مصلحت می‌گردد. شخص با قصد تقیه تا جایی که تالی فاسد نداشته باشد، اقدام به ارسال می‌نماید.

با توجه به آنچه آمد، در حکم شرعی تقیه، ملاک و مناسبت اصلی حفظ حیات انسان و کرامت او، سلامت اعتقادی و تبلیغ دین است و این امر می‌تواند در فضای مجازی نیز وجود داشته‌باشد و چه بسا تحقق آن در این فضا به دلیل کاربرد و توسعه آن در زندگی امروز بشر، قوی‌تر است.

۵-۲-۴- شرایط تقیه در فضای مجازی: تعیین شرایط وجوب تقیه در فضای مجازی از

نکات مهم و قابل اعتناست. ما در این راستا، برای

اجرای تقیه دو شرط از شرایط آن، یعنی شرایط اضطراری و طبقه‌بندی مخاطبان سخن، را مطرح می‌کنیم.

۱-۲-۴- شرایط اضطراری: وضعیت غیرعادی و برخلاف سیر طبیعی امور، موجب پیش آمدن شرایط اضطراری می‌شود. مرحوم مجلسی در کتاب خود، با ذکر احادیث تقیه، این احادیث را سپر مؤمن و حرز و حافظ او دانسته و فرموده در هرچه مضطر شود، در آن تقیه واجب است (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۴۲). که این مطلب، اهمیت و شرایط تقیه را بیان می‌کند و اضطرار و تقیه را ملازم یکدیگر می‌داند. که ما در ادامه به برخی از این نمونه‌ها به عنوان مصادیق اضطرار در فضای مجازی اشاره می‌نماییم؛

الف- وجود شبهات و لزوم سالم سازی فضا: در مقوله فضای مجازی، جبهه استکبار در پی نابودی بنیان‌های اعتقادی مسلمین- به ویژه قشر جوان- است و در همین راستا، مهم‌ترین رفتار آن‌ها عبارت است از گل آلود کردن فضای فکر و اندیشه جوانان از طریق باطل نشان دادن مسلمات و بایسته های مذهبی که این مهم با ایجاد شبهاتی است که گاهی برای یک فرد متخصص، ساده به نظر می‌رسد، اما برای مخاطب عام، سبب از بین رفتن بنیان‌های اعتقادی می‌گردد. (حسینی صفا، غیاثوند، ۱۳۹۶، ۸۳) بر این اساس، لازم است متخصصین وارد مقوله تبلیغ در فضای مجازی شده، البته بصورت تقیه، و ضمن جستجو و یافتن شبهات مختلف، با پاسخ‌های دقیق، ساده و همه فهم در سریع‌ترین زمان ممکن، سبب از بین رفتن این شبهات مسموم شده و از طرفی فضای فکری و اندیشه‌ورزی جوانان را هدف‌دهی نمایند.

ب- مخاطبین فراوان و تنوع ناگزیر: آنچه باید به عنوان یکی از ظریف‌ترین نکات تبلیغ در فضای مجازی از آن یاد کرد، این است که استکبار به دنبال استعمار دولت‌ها و ملت‌هاست، اما شیوه خود را تغییر داده و از طریق جنگ نرم و فضای مجازی و با استفاده از ظرفیت‌های کم- نظیری توانسته است ذائقه مردم را تغییر داده و آن را در کنترل خود درآورد. در همین راستا رسانه‌ها از اصل تنوع‌پذیری انسان‌ها کمال استفاده را نموده و با تولید محتواهای مختلف و باب میل مردم، به نوعی کنترل ذهن‌ها و اندیشه‌ها را به دست گرفته‌اند. در این راستا شایسته است که مبلغان دینی وارد فضای مجازی شوند ولو بصورت تقیه، تا توطئه دشمنان را خنثی کنند. به عنوان مثال در تبلیغات گسترده غربی برای لوازم لوکس مانند شامپو، صابون، لوازم آرایشی، لباس‌های مختلف برای سنین مختلف و مانند این‌ها سعی در تغییر ضائقه مصرف‌کننده و به طبع تغییر در رفتار و آداب آن‌ها می‌نمایند. از این رو وظیفه هنرمندان و ژورنالیست‌ها و روانشناسان صنعتی و مدلیست‌ها است که در این زمینه ورود پیدا کرده و با تعدیل آن مدل‌ها و ورود به این عرصه تبلیغات وسیعی را در برابر آن اقدامات رقم بزنند. این کار می‌تواند همراه با تقیه باشد، مدلیستی که می‌خواهند با تغییر در ذائقه مصرف‌کننده در کانال‌ها به تبلیغ بپردازد، می‌تواند با ورود در سایت‌های تبلیغی مدل‌هایی را تبلیغ نماید که علاوه بر به‌روز بودن شوون ملی و مذهبی را نیز رعایت نماید و به این شکل با حضور در میدان تبلیغ به نوعی از تخریب اذهان مراجعین بکاهد.

۲-۵-۴- طبقه‌بندی مخاطب سخن: دومین شرط تقیه، طبقه‌بندی وضعیت مخاطبان سخن است، لذا نویسندگان متبحر و سخنوران بلیغ و هوشیار، همواره هنگام ایراد مطالب، نکاتی چون سطوح اندیشه، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مخاطبان را رعایت می‌کنند.

الف- سلطه دشمن بر شبکه های مجازی: در فضای مجازی، عمده ظرفیت‌های موجود در آن- مستقیم یا غیر مستقیم- در اختیار جبهه استکبار است. آن‌ها به عنوان مبدع این فضا، به گونه‌ای عمل نموده‌اند که اولاً خودشان حداکثر استفاده از این فضا را بنمایند و ثانیاً به نحو چشمگیری بر فعالیت دیگران در این فضا نظارت نمایند تا جایی که هر گروه و دسته‌ای که خارج از این جبهه باشد، هم برای فعالیت خود نیاز و وابستگی فناورانه‌ای به دشمن دارد و هم این که اگر در معدود مواردی بتواند با تکیه بر دانش خود از زیر سلطه استکبار بیرون بیاید، باز هم به دلیل برتری‌های متعدد دشمن در این زمینه، فعالیت آن‌ها در معرض خطر دائمی قرار گیرد، لذا باید به گونه‌ای رفتار نمود که تبلیغ در این فضا، اولاً بتواند از دید دشمن مخفی مانده (به عبارتی بصورت تقیه باشد) که حساسیت او را برانگیخته ننماید و ثانیاً بتواند علی‌رغم برتری سخت افزاری دشمن، جریان‌های مختلفی را در جهت اندیشه‌ها و تفکرات به راه بیندازد. به عنوان مثال ارسال مطالب، ساخت بئر و مانند این‌ها در سایت‌ها در راستای تبلیغات دینی یا اخلاق‌مدارانه باشد که البته آشکارا تبلیغ مثبت و سالم ننماید ولی بتوان ریشه‌های مذهبی را در آن ملاحظه نمود.

ب- تقیه در فضای مجازی بعنوان تبلیغ دین: آنچه به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه مسئولین فرهنگی و حتی والدین و افرادی که در برابر تربیت نسل بعدی، خود را مسئول می‌دانند، وجود دارد، فضا یا جهان ناشناخته‌ای است که با استفاده از بیشترین جذابیت، پیام‌های متنوعی را نشر و تبلیغ می‌کند. از آن سو که غالب این پیام‌ها در جهت اهداف و تفکرات استکباری انجام می‌پذیرد، بر عهده متولیان فرهنگی است که در این فضا اقدام به نشر معتقدات خود نماید. به عنوان مثال می‌توان در فضای مجازی بازی یا چالش طراحی نمود و در آن‌ها از نمادهای مذهبی یا ملی استفاده نمود تا به این شکل کاربران با ورود به این بازی‌ها و یا چالش‌ها علاوه بر سرگرمی با موضوعات و عناوین مثبت نیز آشنا و رهنمود شوند.

به طور کلی آنچه این مهم را تقویت می‌کند، دو چالش است که در برابر متولیان فرهنگی وجود

دارد:

- برای غلبه بر هجمه‌های گسترده غرب از طریق فضای مجازی، باید به مقابله پرداخته و از باورها و بنیادهای فکری، اعتقادی و سیاسی خود دفاع نمود.

- عوامل متعددی مسؤولیت نشر اعتقادات از طریق مجازی و گسترش اسلام از طریق این فضا را انجام داده و به عهده کاربر می‌گذارد.

۳-۵-۲-۴-تقیه به عنوان یک راهبرد از منظر فقهاء: تقیه اصلی از اصول دین یا اصول مذهب نزد شیعه نیست، بلکه بیشتر راهبرد و روش معطوف به اهداف مشخصی است که به تبع شرایط و اوضاع سیاسی، اعتقادی و اجتماعی در جامعه آن روز شکل گرفته است. افزون بر آن، تقیه به طور مطلق و در تمامی حالات و شرایط، لازم و واجب نبوده و انجام نمی‌گیرد. در برخی شرایط و موارد، واجب است (تقیه وجوبی)؛ در پاره‌ای موارد حرام و در حالاتی مستحب و در بعض موارد مکروه می‌باشد. فقها و عالمان شیعه تقیه را سه تا پنج نوع، تقسیم کرده‌اند و این تقسیم‌بندی را همه فقه‌های امامیه و نیز متکلمین‌شان پذیرفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۱، ۱۶۹).

شیخ طوسی تقیه را به مثابه یک راهبرد، حمایت می‌کند و حفاظت از حق حیات و کرامت انسانی در موردی که این حق در معرض تهدید قرار گرفته است، بیان می‌دارد (طوسی، ۱۴۰۹، ۴۳۵). اولاً مفهوم این نظر این است که هرگاه حیات انسان در معرض تهدید نباشد، تقیه واجب نخواهد بود؛ پس آنچه روشن است این است که ایمان به تقیه به مثابه راهبرد در هر مورد به تناسب آن لازم و ضروری است، یعنی در موارد وجوبی به عنوان راهبرد واجب و در موارد مستحب به عنوان راهبرد استحبابی و در موارد مباح، مباح خواهد بود (سیوری حلی، ۱۴۲۵، ۳۹۴). این خیلی متفاوت است تا آن را چون نبوت و توحید و عدالت، اصل و ضروری دین دانست تا منکر آن خارج از دین معرفی گردد.

ثانیا، راهبرد در چنین حالتی، وجوبی و ضروری است، چون آنچه غایت و هدف است همانا زنده نگه داشتن حق است و در قضیه یادشده، حقی بالاتر از حق حیات و کرامت آدمی وجود ندارد. افزون بر آن، دفاع عملی از حق نسبت به بیان لفظی حق که به نابودی حق بیانجامد، اولویت و

ارجحیت دارد، چنان که در این حادثه اتفاق افتاده است. شیخ طوسی به همین دلیل نظر خویش را نسبت به نظر اهل تسنن در برداشت از این روایت درست می‌داند.

مرحوم طبرسی نیز جواز تقیه را ضرورتاً به معنای وجوب نمی‌داند و به عنوان راهبرد حمایت از حیات نام می‌برد و همین هویت راهبردی در مواقع ضرورت و یا جهت اصلاح را به شیعیان نسبت می‌دهد و مواردی را که تقیه ممنوع می‌باشد، نیز نام می‌برد (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۷۴).

امام خمینی (ره) اعمال و عدم اعمال تقیه را تابع شرایط و اوضاع و نیز موقعیت و منزلت اشخاص و نیز اهداف و مقاصدی که تقیه برای آن‌ها انجام می‌گیرد، می‌داند و از این رو، در مواردی تقیه را حرام اعلام می‌کند (موسوی خمینی، بی تا، ۱۷۷-۱۷۸؛ همو، ۱۳۸۱، ۱۴).

آیت الله خوئی نیز ضمن بازگو کردن فلسفه تشریح و حدود کاربرد تقیه، آن را ساز و کار دفاع از حق حیات، مال، کرامت و... می‌داند و اعلام می‌دارد «هرگاه تقیه موجب تخریب و نابودی چیزی گردد که برای آن تشریح شده است، تقیه‌ای در کار نیست» (خوئی، ۱۳۷۱، ۴۴۵).

به نظر می‌رسد؛ می‌توان با تنقیح مناط و تبیین علت و مبانی تغییر حکم، احکام تقیه در فضای واقعی را به فضای مجازی نیز تسری داد. بنابراین تقیه در فضای مجازی را می‌توان به عنوان یک راهبرد، تابع شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دانست، به این معنا که وقتی جبهه استکبار با استفاده از فضای مجازی، در پی استعمار افکار دینی مسلمان‌ها از طریق ایجاد شبهات است بر مبلغان دینی واجب است وارد فضای مجازی ولو به صورت تقیه، بشوند تا توطئه دشمنان را خنثی کنند. به عنوان مثال ساخت آموزش‌های دینی و مذهبی و ملی می‌تواند راهگشای خوبی در این زمینه باشد. برای نمونه بازی اکشن با محوریت سردار سلیمانی و مقاومت که در فضای مجازی داخلی و خارجی طرفداران و مخاطبین فراوانی را جذب نمود. یا بازی با کلمات و مانند اینها کمک شایانی به شناخت فرهنگ اسلامی و ملی ایران نموده است.

۵-برآمد

۱- با توجه به حکم عقل و فطرت سالم و انسانی، وحی الهی، سنت نبوی، سیره علوی و تجربه تاریخی، تقیه نزد شیعه، یک اصل دینی و ایمانی نیست بلکه بعنوان یک اصل راهبردی و

استراتژیک می‌باشد؛ منتهی راهبردی که با مؤلفه‌های ذیل شناخته می‌شود:
 الف) راهبرد اصلاحات و حفظ وحدت و همبستگی اجتماعی در جامعه؛
 ب) راهبرد نقد و باز اندیشی در جامعه بسته و مبارزه آرام و مسالمت‌آمیز جهت آزادی اندیشه و باور؛

ج) راهبرد حمایت و حفاظت از حق حیات، کرامت انسانی و صیانت از ذات.
 ۲- از آنجایی که دشمن از طریق تولید و ترویج شبهات و همچنین تولید محتوای ضد عفت و حیا، به دنبال انحراف جوانان مؤمن و سالم از اصل دین و دریدن پرده‌های حیا است و امروز این کار در بستر فضای مجازی انجام می‌شود. بایستی با استفاده از فرصت‌های آن، مفاهیم اساسی دینی را از طریق مبلغان دینی ولو بصورت تقیه از طریق این فضا ترویج کرد.

۶- منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم. مترجم: ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۳۶۷). کفایه الاصول. قم: موسسه آل‌البیت (ع).
- ۳- انصاری، مرتضی (۱۳۶۲). مطارح الانظار. قم: موسسه آل‌البیت (ع).
- ۴- انصاری، شیخ مرتضی (۱۲۱۴ق). کتاب المکاسب. الطبعة الاولى. قم: موسسه الباقری.
- ۵- انصاری، شیخ مرتضی (۱۲۸۱ق). کتاب الصلاة. قم: سلسله مجلدات کنگره شیخ اعظم.
- ۶- انصاری، شیخ مرتضی (بی‌تا). فرائد الاصول. ترجمه: عبدالله نورانی (۱۳۹۴). قم: مطبوعات دینی.
- ۷- انصاری، شیخ مرتضی (۱۲۱۴ق). التقیه. فارس الحسون (۱۳۸۴). قم: مؤسسه قائم آل محمد (عج).
- ۸- اصفهانی، محمدحسین (۱۳۶۳). الفصول الغریبه فی الاصول الفقهیه. قم: داراحیاء العلوم الاسلامی.
- ۹- ایروانی، علی (۱۳۷۰). نهاییه‌النهاییه فی شرح الکفایه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۰- باستانی، برومند (۱۳۸۶). جرایم کامپیوتری و اینترنتی و جلوه‌ای نوین از بزهکاری. تهران: انتشارات بهنامی.
- ۱۱- بروجردی، محمدتقی (۱۳۶۳). نهاییه الافکار. (تقریرات درس محقق عراقی) قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۲- بریگز، ایسا، برک، پیتر (۲۰۰۵). تاریخ اجتماعی رسانه‌ها از گوتنبرگ تا اینترنت. ترجمه: حسن نمک دوست تهرانی (۱۳۹۱). ظرفیت‌های فرآورده‌های جهان اسلام در فضای مجازی، تهران: همشهری.
- ۱۳- بشرویی خراسانی فاضل تونی، ملاعبدالله (بی‌تا). الوافیه فی الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- ۱۴- جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۳). ملاک و چگونگی به کارگیری تقیه در دوره حضور معصومان علیهم السلام، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. ۱۰، ۳۵، ص ۱۱-۴۴.
- ۱۵- حجت کوه کمری، سید محمد بن علی (۱۴۰۹ق)، کتاب البیع، تقریر کننده ابوطالب تجلیل تبریزی، ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم.
- ۱۶- حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (بی تا). کتاب الصلاة. قم: مؤسسه جماعه مدرسین.
- ۱۷- حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (۱۴۰۸ق)، درر الفوائد. قم: مؤسسه جماعه مدرسین.
- ۱۸- حسینی، صفاء، غیاثوند، سیدمحسن (۱۳۹۶). ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر فضای مجازی، پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی
- ۱۹- طباطبائی، محمدتقی (بی تا). الاصول العامه الفقه المقارن. قم: آل البيت (ع).
- ۲۰- رشیدپور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی (ره). قم: چاپ و نشر عروج.
- ۲۱- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). تهذیب الاصول (تقریرات درس امام خمینی). تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۲۲- سیوری حلّی، مقداد بن عبد الله (۱۴۲۵ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
- ۲۳- شقیر، محمد (۱۳۸۵). پژوهشی درباره توقیع شریف امام زمان (عج)، فقه اهل بیت (ع)، ۴۶.
- ۲۴- صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- ۲۵- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۱). بحوث فی شرح عروه الوثقی. نجف: انتشارات الآداب.
- ۲۶- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (بی تا). التوحید. ترجمه: سید هاشم حسینی تهرانی. قم: مؤسسه جامعه مدرسین.
- ۲۷- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۸۵ق). علل الشرائع. نجف: المکتبه الحیدریه.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه العلمیه.
- ۲۹- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). التبیان. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳۰- فراهیدی، خلیل (بی تا). کتاب العین. قم: چاپ دارالهجره.
- ۳۱- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۰). قاموس قرآن. قم: چاپ دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۲- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۷ق). الکافی. بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۰ق). روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. قم: العلمیه.
- ۳۴- مجلسی، محمدتقی (۱۳۷۶). لواحق صاحب قرانی المشتهر بشرح الفقیه. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- ۳۵- مراغی، سید میرزا عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقیهیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). انوار الاصول. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- ۳۷- مکی العاملی، محمد (شهید اول) (۱۳۶۰ق). القوائد والفوائد. ترجمه: عبدالهادی حکیم. نجف: مطبعه الآداب.
- ۳۸- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- ۳۹- موسوی خمینی، روح الله، ۱۴۱۴ق، تحریر الوسیله، قم، دار الكتاب العلمیه
- ۴۰- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- ۴۱- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.
- ۴۲- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ۴۳- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). قوانین الاصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
- ۴۴- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷ق). مستند الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).